اعتدال و ميانه‏روى در اسلام (2)

عسكرى اسلام پور كريمى‏

مقدمه:

در شماره قبل خوانديد:

اعتدال و ميانه‏روى به معناى گزينش راه وسط و عدم تمايل به افراط و تفريط مى‏باشد. اين معنا در منابع اسلامى، با الفاظى چون «قَصد»، «اقتصاد» و «وسط» بيان شده است.

قرآن كريم، امت اسلام را امت ميانه معرفى كرده، و رسول خدا(صلى‏الله‏عليه‏وآله) نيز علاوه بر رعايت اعتدال در تمامى رفتار و اعمالشان همواره مردم را به اين مهم مى‏خواند كه: «يا ايها الناس عليكم بالقصد، عليكم بالقصد، عليكم بالقصد»

اعتدال در دين اسلام، قلمرو وسيعى دارد كه برخى از وجوه آن عبارتند از:

1- اعتدال در امور فردى: اسلام به ميانه‏روى در امور شخصى تأكيد فراوان كرده است، كه برخى از آن‏ها عبارتند از:

الف) اعتدال در عبادت؛

ب) اعتدال در سخن گفتن؛

ج) اعتدال در راه رفتن؛

د) اعتدال در خوردن و آشاميدن؛

ه) اعتدال در دنياطلبى؛

و) اعتدال در خشم و غضب؛

ز) اعتدال در ارضاى غريزه جنسى؛

ح) اعتدال در اقتصاد.

در شماره گذشته، چهار مورد اول بررسى شد؛ اينك به بررسى بقيه موارد مى‏پردازيم.

ه) تعادل در دنياطلبى: اسلام نه دنيا گرايى صرف را سفارش مى‏كند و نه آخرت گرايى مطلق را؛ بلكه پيروان خويش را به اعتدال و بهره بردارى متوازن فرمان داده است. امام صادق (عليه‏السلام) مى‏فرمايد: «رأس كل خطيئة حبُّ الدنيا»؛19 محبت شديد به دنيا منشأ همه گناهان است.

قرآن مجيد براى پيش‏گيرى از تفريط مى‏فرمايد: «لاتَنسَ نَصيبَكَ مِن الدُّنيا»؛20 بهره خويش را از دنيا فراموش نكن.

همچنين امام صادق (عليه‏السلام) مى‏فرمايد:«ليس مِنّا من ترك دنياه لآخرته و لاآخرته لدنياه»؛21 كسى كه دنياى خود را به خاطر آخرت ترك كند، از ما نيست و آن كه آخرت خويش را براى دنيا ناديده بگيرد، با ما وابستگى ندارد.

و) خشم و غضب: بدون ترديد از جمله قوايى كه خداوند در وجود انسان قرار داده تا او را در برابر عوامل تهديد كننده حفظ كند و مانع از آسيب پذيرى او شود، خشم و غضب است. قرآن كريم در توصيف پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) و يارانش مى‏فرمايد: «مُحمّدٌ رَسُولُ اللّه و الّذينَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَى الكُفّارِ».22

على (عليه‏السلام) «مالك اشتر» را چنين توصيف مى‏كند: «اَشَدُّ على الفُجّار مِن حَريق النّار»؛23 مالك اشتر بر گناهكاران از آتش سوزان سختگيرتر و شديدتر است.

با اين وصف، اين حالت روحى در صورتى مفيد است كه اولاً در جاى خود به كار گرفته شود و ثانياً اعتدال و ميانه‏روى در آن رعايت گردد. راه ميانه در خشم، حلم و بردبارى و خويشتن دارى در برابر خشم و استفاده صحيح و بجا از آن است. امام صادق (عليه‏السلام) مى‏فرمايد: «مؤمن كسى است كه در هنگامه خشم از حق عدول نكند.»24

قرآن كريم مى‏فرمايد: «وَ لايَجرِمَنَّكُم شَنَئانُ قوم على ألّا تَعدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أقربُ لِلتَّقوى‏»؛25 و البته شما را نبايد عداوت گروهى برآن دارد كه از طريق عدل بيرون رويد، عدالت پيشه سازيد كه به تقوا نزديك‏تر است.

ز) تعادل در ارضاى غريزه جنسى: اعتدال و تعديل خواهش نفسانى و غريزه جنسى روشى است كه اسلام خواهان آن است، اسلام برخلاف برخى از نظريات افراطى رايج در غرب و نظريه كليسا در اين باره، راه ميانه‏اى را انتخاب و معرفى كرده است. كليسا ازدواج را كه بهترين راه ارضاى غريزه جنسى است، مرجوح دانسته و تجرد را ارجح شمرده است. «سن ژرم» كه آخر سلسله اولياءالله كليسا بود، هميشه مى‏گفت: درخت ازدواج را با تبر تجرد از بن بركنيم.26

«پولس قدّيس» كه از شخصيت‏هاى روحانى كليساست، ازدواج نكرده و با زنى پيوند همسرى برقرار ننموده و به زنان و مردان توصيه مى‏كند كه از انتخاب همسر خوددارى نمايند. او مى‏گويد: مرد را نيكو آن است كه زن را لمس نكند.27

كليسا ازدواج را به نيت توليد مثل جايز مى‏شمارد، ولى در عين حال معتقد است كه پليدى ذاتى ازدواج را توليد مثل جبران نمى‏كند. از سوى ديگر، صاحبان فرضيه‏هاى رايج در غرب، خود غريزه جنسى را به معناى گسترده و وسيعى تفسير نموده‏اند، به طورى كه حتى انگيزه تمام كارهاى هنرى را با غريزه جنسى توجيه كرده‏اند و مى‏گويند: روابط مادر با فرزند، معلم با شاگردان و به طور كلى، تمام ارتباطهاى اجتماعى بين اشخاص، يا طبعاً خصيصه جنسى دارند، يا داراى اصل و ريشه جنسى هستند.

اما، قرآن كتاب آسمانى مسلمانان، با طرح ازدواج و ارضاى مشروع غريزه جنسى، راهى ميانه را (با نهى از شهوت‏رانى و فساد) پيشنهاد كرده، مى‏فرمايد: «إلاّ عَلى‏ أزواجِهِم أو مَا مَلَكتْ أيمانُهُم فَإنَّهم غَيرُ مَلُومِينَ».28

اسلام بر خلاف كليسا، ازدواج را مقدس و تجرد را پليد شمرده است؛ رسول خدا(صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: «اكثرُ أهل النار العزّاب»؛29 بيشتر افراد در جهنم، از افراد عزب و مجرد هستند.

در كتاب شريف مكارم الاخلاق آمده است: «روزى زنى خدمت امام باقر (عليه‏السلام) رسيد و عرض كرد: من از متبتّله هستم. امام پرسيد: منظورت ا زتبتُّل چيست؟ در پاسخ گفت: قصد كرده‏ام هرگز ازدواج نكنم. حضرت پرسيد: براى چه؟ گفت: مى‏خواهم به سبب اين عمل، به فضل و برترى دست يابم.

حضرت فرمود: اين انديشه را رها كن. اگر در اين كار فضيلتى بود، فاطمه زهرا(عليهاالسلام) براى رسيدن به آن از تو شايسته‏تر بود؛ زيرا هيچ كس در فضيلت بر او پيشى نگرفته است.»30

ازدواج سنت پيغمبر اسلام است. امام صادق (عليه‏السلام) مى‏فرمايد: ازدواج كنيد، همانا رسول خدا (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: هر كس دوست دارد از روش‏هاى من پيروى كند، يكى از روش‏هاى من ازدواج است.31

با اين حال اسلام، از آزادى جنسى و ارضاى افراطى غريزه جنسى انتقاد كرده و به عواقب آن هشدار داده است. حضرت على(عليه‏السلام) مى‏فرمايد: «من تسرع الى الشهوات تسرع اليه الافات»؛32 كسى كه در شهوات تند روى كند، آفات با سرعت به سوى او مى‏شتابد.

ح) ميانه‏روى در اقتصاد: اندازه نگه داشتن و ميانه‏روى در مخارج، يكى از وظايف حتمى و اجتناب‏ناپذير هر فرد مسلمان است. اين ميانه‏روى، ارتباطى با كمى و زيادى درآمد ندارند. بديهى است در مورد كسانى كه درآمد كمترى دارند، اهميّت بيشترى احساس مى‏شود، ولى اسلام به پيروان خود توصيه مى‏كند: در همه حال و در هر شرايطى كه هستند، در خرج كردن، اعتدال را رعايت كنند. تعادل در مخارج زندگى موجب مى‏شود كه بسيارى از مشكلات ساختگى انسان‏ها برطرف شود.

پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: «الاقتصاد فى النفقه نصف المعيشه»؛33 ميانه‏روى در خرج كردن، نيمى از زندگى است .

در روايتى از امام باقر(عليه‏السلام) وارد شده است كه آن حضرت فرمود:«سه چيز است كه نجات دهنده انسان است: (اول) ترس از خدا در نهان و آشكار؛ (دوم) ميانه‏روى در خرج، در هنگام ثروتمندى و تهيدستى؛ (سوم) به عدل سخن گفتن، در حال خشنودى و هنگام غضب.»34

براى ثروتمندان، زياده‏روى در خرج ممكن است چندان مهم نباشد و شايد بعضى از آن‏ها، ميانه‏روى را غلط بپندارند، ولى بايد به اين نكته توجه كنند كه هيچ كس تعهد نكرده كه ثروتمندان امروز، تا پايان زندگى ثروتمند بمانند؛ زيرا حوادث روزگار، بسيارى از ثروتمندان را خاكسترنشين و تهيدست كرده و اگر در دوران بى‏نيازى به ولخرجى عادت كرده باشند، در زمان تهيدستى، به بدبختى خواهند افتاد. علاوه بر اين، ثروتمندان بايد آينده فرزندان خود را نيز در نظر بگيرند، زيرا هيچ تضمينى در كار نيست كه فرزندان ثروتمندان هم تا ابد در ناز و نعمت و ثروت باقى بمانند، زيرا بسيار ديده شده است كه فرزندان اين طبقه، به سختى‏ها و مشقت‏ها گرفتار شده‏اند.

اگر متمكنين، فرزندان خود را به روش ميانه‏روى و اعتدال عادت دهند،سختى‏هاى احتمالى، آن‏ها را ناتوان نخواهد ساخت.

از طرفى، افراط و زياده روى، زمينه را براى سقوط و بدبختى افراد فراهم مى‏سازد، در حالى كه ميانه‏روى و اندازه نگه داشتن، آينده افراد را تأمين مى‏كند.

امام على (عليه‏السلام) مى‏فرمايند: « كسى كه ميانه‏روى را شيوه خود قرار دهد، ثروت و بى نيازى او دوام خواهد داشت و روش اعتدال، فقر و مشكلات زندگى او را جبران خواهد كرد.»35

ادامه دارد...

پى‏نوشت‏ها:

19.اصول كافى، ج 2، ص 315، ح 1؛ مشكاة الانوار، ص 267.

20.قصص /77.

21.وسايل الشيعه، ج 12، ص 49.

22.فتح / 29.

23. نهج البلاغه، نامه 38.

24. وسايل الشيعه، ج 11، ص 286.

25.مائده / 8.

26.زناشويى و اخلاق، ص 52.

27.همان، ص 38.

28.مؤمنون / 6.

29.وسايل الشيعه، ج 14، ص 8.

30.مكارم الاخلاق، ج 3، ص 515.

31.وسايل الشيعه، ج 14، ص 6.

32.غررالحكم، ج 5، ص 327.

33.نهج الفصاحه، حديث 1057.

34.سفينة البحار، ج 2، ص 431.

35.غررالحكم آمدى، كلمه 9165.